

نکاح مسیار

احمدشاه خراسانی^۱

چکیده

ازدواج مسیار، نوعی ازدواج دائمی است که در سال‌های اخیر در برخی از کشورهای اسلامی رواج یافته است. در این نوع ازدواج، شرط می‌شود تا زن حق نفقه، مسکن و مبیعت خویش را برای شوهر ببخشد و شوهر مختار است، هرگاه بخواهد نزد همسر می‌رود. مشروعیت و جواز ازدواج مسیار، یکی از مباحث اختلافی میان فقها است. با توجه به عمومات و اطلاعات آیات و روایات، دیدگاه اکثر فقهای معاصر، بر مبنای اصل جلیت، اصل اباحه، اصل آزادی اراده زوجین، مشروعیت اسقاط حق، سیره عقلا، عدم دلیل بر حرمت آن و نیاز مبرم جامعه، این عقد جایز است. در این تحقیق تلاش شده است که موضوع با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر، در مقام جمع‌آوری اطلاعات از نوع روش تحقیقات کتابخانه‌ای بوده و در مقام پردازش داده‌ها، توصیفی، تحلیلی و تطبیقی میان آرای فقها و استنباطات مواد قانون مدنی است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که ازدواج مسیار دارای تمام شرایط و ارکان ازدواج دائم است و برخی از آثار ازدواج دائم را با توافق زوجین مورد تنازل قرار می‌دهند که این تنازل هیچ خللی در ارکان عقد ایجاد نمی‌کند. ازدواج مسیار مورد پذیرش اکثر فقهای معاصر اهل سنت قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، مسیار، حقوق زن، نفقه، مبیعت، مسکن.

۱. گروه فقه قضایی، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان، کابل.

ایمیل: Ahmadshah.khurasani009@gmail.com

مقدمه

تشکیل نهاد مقدس خانواده یکی از نیازهای اساسی جامعه است و به همین دلیل خانواده همزاد با تاریخ بشر است. آنچه نهاد خانواده را پی‌ریزی می‌کند، علقه ازدواج است. عقد ازدواج دارای انواعی است که از جمله آن‌ها ازدواج مسیار است. ازدواج مسیار از جمله عقود است که سابقه طولانی در فقه ندارد و اندکی از افراد جوامع اسلامی بدان مبادرت ورزیده‌اند. نکاح مسیار از جمله ازدواج‌های است که بیشتر میان عرب‌ها رایج بوده و این عقد میان فارس‌تبارها از پیشینه‌ای قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیست، لذا بیشتر علما و همه مردم عوام غیر عرب با این اصطلاح آشنایی ندارند (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص ۵۳).

در شریعت اسلام، ازدواج صحیح آن است که تمام ارکان و شرایط عقد ازدواج در آن رعایت گردد. برخی اوقات اتفاقاتی رخ می‌دهد که عقد ازدواج با خلل‌های مواجه می‌شود که این خلل‌ها، متعلق به ارکان، شرایط و آثار ازدواج است که برخی از آن‌ها باعث بطلان، پاره‌ای از آن‌ها سبب فساد و عده‌ای موجب عدم نفوذ عقد ازدواج می‌گردند. تلاش می‌شود که نشان داده شود نکاح مسیار در فقه اهل سنت و حقوق افغانستان چه حکمی دارد. بنابراین، پرسش‌های که در این تحقیق به دنبال پاسخ آن هستیم عبارت‌اند از این که شرایط و ارکان ازدواج صحیح کدامند؟ دیدگاه فقهای معاصر و قانون مدنی افغانستان در باره حکم نکاح مسیار چیست؟ نقاط اشتراک و افتراق ازدواج موقت با مسیار کدامند؟

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. ازدواج

ازدواج واژه عربی است که به معنای انضمام (به هم پیوستن) به کار می‌رود و به معنای نزدیکی، جمع، پیوستن، وطی، عقد، مواصلت و نکاح نیز به کار رفته است (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۵).

فقهای حنفیه ازدواج را چنین تعریف نموده‌اند: «ازدواج عبارت از عقدی است که

افاده ملک متعه می‌کند»؛ یعنی موجب می‌شود که زن و شوهر بتوانند از همدیگر استمتاع جنسی بکنند. سایر فقها نیز تقریباً تعریف مشابه از ازدواج ارائه کرده‌اند: «ازدواج عقدی است متضمن اباحت استمتاع جنسی از زن به صورت مباشر، مشروط بر این که زن محرم نسبی، رضاعی و سببی نباشد» (زحیلی، ج ۶، ص ۶۵). در قانون مدنی افغانستان ازدواج چنین تعریف شده است: «ازدواج عقدی است که معاشرت زن و مرد را به قصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده، حقوق و واجبات طرفین را به وجود می‌آورد (ق.م. افغانستان، ماده ۶۰).

۲-۱. مسیار

کلمه مسیار بر وزن مفعال صیغه مبالغه و از ریشه سیر به معنای راه رفتن روی زمین است (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۷). نظر یوسف قرضاوی در مورد ریشه لغوی مسیار این است که این کلمه نخست در کشورهای خلیج رواج یافته و شاید به معنای مرور به زوجه یا سیر به سوی وی است و ازدواجی است با همان ارکان و شرایطی که نکاح دائمی دارد، با این تفاوت که زن از برخی حقوق خود مانند نفقه، مسکن و قسم «نوبت شب» صرف نظر و گذشت می‌کند. گذشت از حقوق زن برای زن جایز است (بخاری، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۹۳). وجه تسمیه این ازدواج آن است که شوهر غالباً در دیدارهای روزانه به دیدن زوجه می‌رود.

۲. پیشینه ازدواج مسیار

برخی از فقها، ازدواج مسیار را پدیده نوظهور دانسته‌اند که ابتدا در منطقه‌ی تمیم عربستان سعودی به وقوع پیوسته و سپس در سایر کشورها گسترش یافته است، اولین کسی که این موضوع را مطرح نموده است فهد الغنیم بوده است. (پاک‌نیت، ۱۳۹۳، ص ۱۱). عده‌ای دیگر، ازدواج مسیار را دارای سابقه تاریخی دانسته و در این زمینه به برخی از متون فقهی استناد کرده‌اند، از جمله: ابن قدامه در مغنی آورده است: «مردی که در ازدواج با زنی شرط نماید در هفته یک‌شب نزد وی باشد یا در ازدواج دیگری شرط کند که در هر ماه ۵ الی ۱۰ درهم برای زوجه خود نفقه بدهد یا شرط

نماید روزهای مشخصی از ماه به ملاقات وی رود، جایز است» (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۵۰). هرگاه این ازدواج به ثبت برسد رسمی و اگر ثبت نشود، عرفی است و بیشتر مواقع، در عربستان سعودی، امارات و دیگر کشورهای عربی انجام می‌شود (قرضاوی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۵۳).

۳. ارکان ازدواج

ارکان جمع رکن بوده و عبارت از عناصر اساسی ازدواج است که در صورت فقدان آن عقد ازدواج باطل می‌گردد.

ارکان ازدواج از دیدگاه فقهای اهل سنت عبارت‌اند از: ۱- عاقدین (زوجین)؛ ۲- صیغه (ایجاب و قبول) که اعم از تلفظ کردن، نوشتن یا اشاره افراد کر و لال است (زحیلی، همان، ص ۶۰). ارکان عقد نکاح، نزد احناف همان صیغه عقد (ایجاب و قبول) است (کاسانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۳۱۷). ماد ۶۶ ق.م. افغانستان که برگرفته از فقه حنفی است مقرر می‌دارد: «عقد ازدواج ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند بدون قید وقت در مجلس واحد صورت می‌گیرد». به موجب این ماده ارکان نکاح فقط ایجاب و قبول است که در نکاح بسیار رعایت گردیده و افاده استمرار را می‌کند.

۴. شرایط صحت ازدواج در قانون مدنی

ماده ۷۷ ق.م. افغانستان در خصوص شرایط صحت عقد ازدواج چنین مقرر می‌دارد: «برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن شرایط آتی لازم است:

۱. انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین یا اولیاء یا وکیل‌شان؛
۲. حضور دو نفر شاهد با اهلیت؛
۳. عدم موجودیت حرمت دائمی و یا موقت بین ناکح و منکوحه».

هرگاه در نکاح بسیار شرایط فوق رعایت گردد، نکاح صحیح است. مهم نیست که اسم آن را چه بگذاریم، مهم این است که ارکان و شرایط عقد ازدواج در آن وجود

دارد (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۰).

۴-۱. مقاصد ازدواج

در مورد مقصد ازدواج خداوند می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ» (روم، ۲۱). هدف اصلی شارع مقدس از ازدواج؛ تسکین نفس بر اساس مودت و رحمت، تشکیل خانواده، حفظ سلامت عاطفی و روحی زوجین، توالد و بقای نسل، استقرار، سازگاری و اطمینان زوجین و قصد دوام و همیشگی بودن ازدواج است (شاطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۶). در شریعت اصل بر حقایق است نه بر نام‌ها و عنوان‌ها؛ چنانکه فقها بیان می‌دارند: «الْعَبْرَةُ فِي الْعُقُودِ لِلْمَقَاصِدِ وَالْمَعَانِي وَ لَيْسَتْ لِلْأَلْفَاظِ وَالْمَبَانِي» (ژوبل، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۳)؛ در عقدها، اهداف و مقاصد معتبرند، نه واژگان و نام‌ها. به نظر می‌رسد که اهداف ذکر شده در نکاح مسیار نیز قابل تحقق است.

۴-۲. دیدگاه فقها در مورد ماهیت ازدواج مسیار

شکی نیست که مسیار از موضوعات مستحدثه است و در کتاب‌های فقهی قدیمی چنین اصطلاحی به چشم نمی‌خورد؛ اما فقها و حقوقدانان معاصر آن را این‌گونه ترسیم و تبیین نموده‌اند: «مسیار ازدواجی است که در آن مرد وزن عقد شرعی با تمام ارکان و شرایط می‌بندند و فقط زن، از برخی حق و حقوق خود مانند نفقه، مسکن و قسم صرف‌نظر می‌کند» (تمیمی، ۱۴۱۸، ص ۱۰).

وهبة الزحیلی می‌نویسد: «مسیار ازدواجی است که با ایجاب و قبول، شهادت شهود و حضور ولی، بین مرد وزن منعقد می‌شود و زن از حقوق مادی خود مانند مسکن، نفقه و فرزندان که به دنیا می‌آورد و برخی حقوق معنوی مانند حق قسم و هم‌وابستگی صرف‌نظر می‌کند. در این ازدواج زن قبول می‌کند که مرد فقط گاهی به او سر بزند و این عقد طبق توافق طرفین می‌تواند به صورت علنی و مخفی و سری باشد و در این ازدواج نسب و ارث حفظ می‌شود؛ اما زن در خروج از منزل آزاد است، چون که شرط نفقه وجود ندارد و اطاعت زن از مرد زمانی واجب است که شوهر نفقه

پرداخت کند» (پاک‌نیت، ۱۳۹۳، ص ۱۲۹).

شیخ عبدالله بن منیع عضو هیئت علمای سعودی و قاضی مکه می‌نویسد: «مسیار ازدواجی است که همه ارکان و شرایط ازدواج در آن وجود دارد، این ازدواج با ایجاب و قبول و با شرایط معروف مانند رضایت طرفین، ولایت، شهادت و کفالت صورت می‌گیرد، در آن مهریه مورد توافق وجود دارد و برای صحت آن باید موانع ازدواج نباشد. بعد از انعقاد عقد تمامی حقوق مترتب بر عقد زوجیت از جهت نسب، ارث، عده، طلاق، مباح بودن رابطه قرابت، سکونت و نفقه ثابت می‌شود؛ در حالی که زوجین توافق می‌کنند که زوجه حق نفقه و میت ندارد و شوهر هر زمان بخواهد به دیدار همسر خود می‌آید» (تمیمی، ۱۴۱۸، ص ۱۵).

به نظر می‌رسد، زنانی که مشکل مادی مانند مسکن و نفقه ندارند و یا به دلیل بی‌سرپرست بودن، بیوه بودن، بالا رفتن سن، مُطَلَّقه بودن، خانم‌های که تمایل به زندگی مشترک ندارد، زنان مسنی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، زنانی که دارای ثروت و امکانات مادی بوده و فقط دنبال یک همراز، همسر و همسفر می‌باشند، خانم‌های که نیاز عاطفی دارند، این زنان از حق نفقه، میت و مسکن صرف‌نظر کرده و شوهر را به توافق و رضایت مختار می‌گذارند تا هر وقت میسر شد با وی ملاقات کند. این ازدواج تمام شرایط و ارکان عقد نکاح شرعی از قبیل گواه، مهر، ثبوت نسب و کلماتی برای دوام نکاح را دارد و در این نوع عقد، زوجین توافق می‌کنند که زن در خانه والدین یا خانه خود بماند و تقاضای مسکن، نفقه و حق قَسَم از شوهر را ننماید. در برخی موارد هم این ازدواج از جانب مردانی است که فقیر بوده یا ازدواج مجدد سبب مشکلات با همسر اول آنان می‌شود و یا مسافرت‌های تجاری دارند، ناگزیر ازدواج مسیار می‌کنند که در آن هیچ مانع شرعی دیده نمی‌شود.

۵. حکم ازدواج مسیار

۵-۱. حکم ازدواج مسیار از منظر قرآن

اطلاق و عموم آیات مربوط به نکاح دائم مانند: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء»

(نساء، ۳)، به صراحت حلیت ازدواج مسیار قابل استنباط است؛ زیرا که نکاح مسیار با طیب خاطر، میل، رغبت و خوشی انجام می شود.

همچنان خداوند می فرماید: «وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» در آیات ۲۰ به بعد سوره نساء شارع مقدس، زنانی که ازدواج با آن ها حرام است نام برده است که ازدواج مسیار جزء آن ها نیست، پس دلیلی از دیدگاه قرآن بر منع و حرمت ازدواج مسیار وجود ندارد. همچنین خداوند فرموده است: «وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء، آیه ۱۲۸)؛ و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا روی گردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گرایند؛ زیرا که همانا سازش بهتر است. ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: «اگر زن ترسید که شوهرش از او جدا شود یا اعراض کند می تواند از حقوقش مانند نفقه، لباس، هم پستر شدن و امثال آن ها در مقابل شوهرش تنازل کند و شوهرش می تواند آن را بپذیرد و هیچ کدام از زن و مرد در این مورد گناهکار نیستند» (ابن کثیر، ذیل ۱۲۸، سوره نساء). از منطوق این آیه حکم جواز تنازل به خوبی قابل استنباط است.

در مورد مهر زنان قرآن کریم می فرماید: «فَإِنْ طَبُنْ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء، آیه ۴)؛ اگر زنان با رضایت چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند آنان را حلال و گوارا مصرف کنید. همچنین در جای دیگر می فرماید: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ» (نساء، آیه ۲۴)؛ یعنی نیست بر شما گناه، در آنچه با یکدیگر راضی شده اید. برخی ها معتقدند که این آیه در شأن حضرت سوده بنت زمعه همسر پیامبر نازل گردید است (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۴).

۵-۲. حکم ازدواج مسیار در روایت

در منابع روایی آمده است: «و يجوز للمرأة أَنْ تَهَبَ لَيْلَتَهَا لِبَعْضِ ضَرَائِرِهَا» (ابی الخیر، بی تا، ج ۹، ص ۵۲۵)؛ یعنی برای زن جایز است تا حق بیتوته و شب تیر کردنش را برای انباغ (شریک زندگی و هوو) خویش، هبه و بخشش نماید. عروه بن زبیر از عایشه^(رض) روایت می کند که سوده بنت زمعه^(رض)، دومین همسر پیامبر^(ص)

بعد از خدیجه^(رض)، حق روز تیر کردن خویش را برای عایشه^(رض) بخشید و پیامبر هم پذیرفتند: «عن عائشة أنَّ سودة بنت زمعة وَهَبَتْ يَوْمَها لِعائِشَةَ وَكَانَ النَّبِيُّ^(ص) يَقْسِمُ لِعائِشَةَ يَوْمَها وَ يَوْمَها سودة متفق علیه» (مسلم، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۲)؛ از عایشه روایت است که سودة بنت زمعه حق روز تیر کردن خویش با پیامبر را به عایشه بخشید و پیامبر از آن پس روزی که نزد سودة می رفت را نزد عایشه می رفت. قبول حضرت پیامبر، دلالت بر این می کند که زوجه حق دارد، از حقوق خود مانند میت، نفقه و... تنازل نماید (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۵). از حق قسمی که پیامبر^(ص) با همسرانش داشتند استنباط می شود که همسر، حق تنازل از حق خویش را برای شوهر دارد، این حق تنازل امری است که در نکاح مسیار مطرح است، در نتیجه ازدواج مسیار با این خصوصیت جایز است.

۳-۵. حکم ازدواج مسیار در قانون مدنی افغانستان

قانون گذار قوانین موضوعه افغانستان موادی را در خصوص نکاح مسیار به وضوح تبیین ننموده است؛ اما از منطوق و روح مواد قوانین به خصوص قانون مدنی افغانستان جواز و مشروعیت این عقد قابل استنباط است؛ به عنوان مثال ق.م.ا در ماده ۶۰ اذعان می دارد: «ازدواج عقدی است که معاشرت زن و مرد را به قصد تشکیل خانواده مشروع گردانیده، حقوق و واجبات طرفین را به وجود می آورد». طبق این تعریف نخست ازدواج را عقد معرفی نموده و در قدم دوم، ازدواج موجب حلیت معاشرت زن و مرد و تشکیل فامیل می گردد که ازدواج مسیار عین این مقاصد را در بردارد و سوم اینکه برای هریک از طرفین زن و مرد حقوق و تکالیفی را پیش بینی می کند که این حقوق عبارت اند از نفقه، مسکن، البسه و غیره. در نکاح مسیار با شرط ضمن عقد، سه مصداق اول در نکاح مسیار موجودند که مورد تنازل زوجه قرار می گیرد. بر اساس ماده ۶۶ قانون مدنی افغانستان، «ازدواج، در صورت تعلیق آن به شرط غیر محقق، یا مضاف ساختن آن به زمان آینده، عقد شده نمی تواند». ماده مزبور ازدواج معلق به شرطی را که قابلیت تحقق نداشته باشد، غیر صحیح می پندارد و منطقی هم هست؛ مثلاً شخصی باخانمی شرط می کند که با تو ازدواج می کنم مشروط بر اینکه هر شش ماه یک فرزند پسر

برایم به دنیا بیاورید؛ این شرط غیر قابل تحقق است و این عقد باعث پیوند زناشویی شده نمی‌تواند؛ اما از مفهوم مخالف این ماده استنباط می‌شود که ازدواج به شرطی که قابلیت تحقق را داشته باشد صحت دارد که معمولاً در ازدواج مسیار که در آن شرط می‌شود تا مرد مکلف به پرداخت نفقه، مسکن و میت نباشد؛ این شرط قابلیت تحقق را دارد.

همچنان، ماده ۶۸ ق. م مقرر می‌دارد: «هرگاه در عقد ازدواج شرطی گذاشته شود که مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و شرط باطل پنداشته می‌شود». از بیان این ماده صحت ازدواج مسیار به صراحت دانسته می‌شود؛ زیرا فرض کنید عقد ازدواج مسیار مخالف قانون و اهداف ازدواج است که همانا شرط ضمن عقد برای نپرداختن نفقه، مسکن و میت باشد، در چنین فرضی بازهم فقط شرط باطل است؛ اما عقد ازدواج مسیار صحت دارد.

ماده ۸۸ قانون مدنی گویای جواز شرط ضمن عقد نکاح است، ماده مزبور اشعار می‌دارد: «زن می‌تواند هنگام عقد ازدواج شرط گذارد که اگر زوج وی مخالف احکام مندرج مانند ماده (۸۶) این قانون با زن دیگر ازدواج کند، صلاحیت طلاق به او انتقال داده می‌شود، این شرط وقتی اعتبار دارد که در وثیقه نکاح درج شده باشد». طلاق که حق مسلم مرد است، به موجب این ماده در ضمن شرط نکاح، قانون اجازه انتقال آن را به زن داده است، پس نفقه، مسکن و میت هم که حق مسلم زن است، جواز دارد تا ضمن عقد مسیار به مرد انتقال داده شود.

همچنان ماده ۱۰۳ ق. م. اشعار می‌دارد: «زوجه بالغه که سن ازدواج قانونی را تکمیل نموده باشد، می‌تواند در حالت صحت و رضای خود مهری را که نقداً تعیین شده باشد، کلاً و یا قسمی از ذمه زوج ساقط نماید...». هنگامی که قانون‌گذار برای زوجه صلاحیت سقوط مهریه یا بخشش آن را بر زوج مجاز دانسته است، پس بخشش و سقوط حق نفقه، مسکن و میت زوجه بر زوج را به طریق اولی صحیح می‌پندارد.

یکی از اصول مهم و قابل پذیرش نظام‌های حقوقی دنیا اصل آزادی اراده است

که حتی اکثر کشورها منبع حقوق‌شان همین اصل و مبنا است، به موجب این اصل اعطای آزادی و اختیار به مردم برای منعقد نمودن قرارداد آن گونه که خود آنان می‌خواهند، بهترین ابزار برای برقراری رابطه‌ای عادلانه و مفید بشمار می‌رود؛ زیرا که تعهد تحمیلی ممکن است ناعادلانه باشد (حیاتی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). بر مبنای حکم همین اصل که به آزادی اراده زوجین مبتنی است، ازدواج بسیار صحیح است. ماده ۴۴ ق.م افغانستان نیز در این خصوص تصریح می‌نماید: «آزادی حق طبیعی انسان است، هیچ کس نمی‌تواند از آن تنازل نماید». بر اساس این حق، ما می‌توانیم اعمالی را که مخالف شرع و قانون نباشد مانند نکاح بسیار اجرا نماییم.

۴-۵. ازدواج بسیار نزد فقها

الف) موافقان

۱. شیخ عبدالعزیز بن باز، مفتی سابق اهل حجاز در مورد نکاح بسیار می‌فرماید: «لَا حَرَجَ فِي ذَلِكَ إِذَا اسْتَوْفَى الْعَقْدَ الشَّرْطَ الْمَعْتَبَرَ شَرْعاً وَهُيَ وَجُودُ الْوَلِيِّ وَرِضَا الزَّوْجَيْنِ وَحُضُورُ شَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ عَلَى أَجْرَاءِ الْعَقْدِ وَسَلَامَةُ الزَّوْجَيْنِ مِنَ الْمَوَانِعِ، لِعُمُومِ الْقَوْلِ النَّبِيِّ (ص) (أَحَقُّ مَا أَوْفَيْتُمْ مِنَ الشَّرْطِ أَنْ تَوْفُوا بِهِ مَا اسْتَحْلَلْتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ)؛ یعنی هرگاه عقد نکاح، واجد شرایط معتبر شرعی باشد، مشروط بر اینکه وجود ولی، رضایت زوجین، حضور دو شاهد عادل بر اجرای عقد سالم (خالی بودن) زوجین از موانع نکاح باشد، ازدواج بسیار اشکالی ندارد (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص ۵۴)؛ دلیل دیگر موافقان این روایت است: «المسلمون على شروطهم» (عسقلانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۸۹)؛ مسلمانان بر شروطی که در عقود می‌کنند، وفاداری کنند. شیخ عبدالملک در این زمینه می‌گوید: «فإن اتفق الزوجان على إن المرأة تبقى عند أهلها أو على إن القسم يكون لها نهائراً أو في أيام معينة أو ليالٍ معينة فلا بأس بذلك بشرط إعلان النكاح و عدم اخفائه» (شیخ عبدالملک، بی‌تا، ص ۱۱۲)؛ اگر زن و شوهر توافق کردند که زن در مسکن پدر خود زندگی کند، یا توافق کردند که فقط مرد روزهای معین یا شب‌های معینی به خدمت و دیدار همسر خویش آید، باکی نیست، مشروط بر اینکه نکاح‌شان علنی و بدون اخفا صورت گیرد.

۲. یکی دیگر از قائلین بر جواز نکاح مسیار، شیخ عبدالعزيز بن عبدالله آل الشيخ، مفتی عام عربستان سعودی و رئیس هیئت علماء بزرگ و رئیس مباحث علمی و اداره ارشاد آن کشور می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الزَّوْاجَ جَائِزٌ إِذَا تَوَفَّرَتْ فِيهِ الْأَرْكَانُ وَالشَّرُوطُ وَالْعَلَانُ الْوَاضِحُ وَذَلِكَ حَتَّى لَا يَقَعَانَ فِي تَهْمَةٍ»؛ یعنی این ازدواج جایز است، مشروط بر اینکه ارکان و شروط عقد نکاح را دارا باشد و به‌صورت واضح اعلام گردد تا مبادا زوجین در معرض اتهام قرار گیرند.

۳. شیخ یوسف محمد، عضو هیئت افتا و دعوت و عضو ارشاد مملکت سعودی گفته است: «الزَّوْاجُ الشَّرْعِيُّ هُوَ مَا تَمَّ فِيهِ أَرْكَانُهُ وَشُرُوطُهُ وَامَّا الْأَشْتِرَاطُ بِتَنَازُلِ الْمَرْأَةِ عَنْ حَقِّهَا فِي النِّفْقَةِ وَالْقَسَمِ فَهُوَ شَرْطٌ بَاطِلٌ وَالزَّوْاجُ صَحِيحٌ وَلَكِنْ لِلْمَرْأَةِ بَعْدَ الزَّوْاجِ أَنْ تَسْمَحَ بِشَيْءٍ مِنْ حَقِّهَا وَذَلِكَ لَا يَخَالِفُ الشَّرْعَ»؛ یعنی؛ نکاح مسیار شرعی است، زیرا تمام ارکان و شرایط عقد شرعی در آن وجود دارد، ولی اشتراط تنازل زن از حق نفقه و قسم شرطی باطل است

۴. دکتر یوسف قرضاوی در مقدمه کتاب زواج مسیار می‌فرماید: «وقتی من فتوای جواز نکاح مسیار را دادم غوغای در کشورهای حوزه خلیج فارس و اطراف آن بر پاشد، ولی ما باید، حکم خدا را بگوییم».

همچنان دکتر قرضاوی تصریح می‌نماید: «فقیه باید حُکْم خدا را بگوید، من تشویق به نکاح مسیار نمی‌کنم، ولی اگر از حکم آن، از من سؤال کنند، می‌گویم، حلال است و حلال خدا را حرام نمی‌کنم؛ چون دلیل بر حلیت دارم و هیچ دلیلی بر حرمت ندارم» (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۷).

۵. هنگامی که برای شیخ محمد سید طنطاوی از علماء الازهر و مفتی مصر، ازدواج مسیار را تعریف می‌کنند و می‌گویند در این ازدواج تمام ارکان و شرایط نکاح وجود دارد؛ لیکن در آن شرط می‌شود که زوج به ادای حقوق واجب زوجه ملتزم نباشد، می‌گوید: «مَادَامَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ، الْعَقْدُ صَحِيحٌ شَرْعاً وَتَمَّ الْإِتِّفَاقُ عَلَى عَدَمِ الْوَفَاءِ بِحَقُوقِ الزَّوْجَةِ وَهِيَ رِضَا بِذَلِكَ، فَلَا بَأْسَ» (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

۶. دکتر وهبة الزحیلی، رئیس بخش فقه اسلامی دانشکده شرعیات دانشگاه دمشق نیز

از قائلین به اباحه نکاح مسیاری می‌باشد، وی گفته است: «الأصل فی العقود الشرعية و منها الزواج هو الإباحة فكل عقد استوفى أركانه و شرايطه الشرعية كان صحيحاً و مباحاً، ما لم يتخذ جسراً أو ذريعة الى الحرام، و ليس فی المسیاری قصد حرام...»؛ یعنی اصل در عقود از جمله عقد نکاح اباحه است، هر عقدی که واجد ارکان و شرایط شرعی عقد باشد، صحیح و مباح خواهد بود، در نکاح مسیاری قصد ارتکاب حرام نیست ... (سلیمان اشقر، ۱۴۲۵، ص ۱۷۷-۲۶۰).

۷. شیخ دکتر نصر فرید واصل، مفتی مصر؛ شیخ عبدالله بن منیع از علماء سعودی و قاضی محکمه تمیز مکه مکرمه؛ شیخ ابراهیم، بن صالح الخضری قاضی محکمه عالی ریاض؛ شیخ عبدالله، بن عبدالرحمن الجبرین از علماء سعودی؛ دکتر احمد الحجی الکردی از علماء کویت؛ دکتر محمود ابولیل؛ دکتر نعمان عبدالرازق سامرائی؛ شیخ عبدالملک المطلق نویسنده کتاب ازدواج مسیاری؛ شیخ عرفان بن سلیم العشا حسونه دمشقی مؤلف کتاب ازدواج مسیاری و تعداد دیگر از فقها و دانشمندان عرب‌زبان، از جمله قائلین بر جواز نکاح مسیاری می‌باشند که از آوردن دلایل و نظریاتشان در این نوشته به دلیل عدم اطاله کلام خودداری صورت گرفته است (بیگدلی، ۱۳۸۹، صص ۵۷-۶۲).

بنابراین، از جمع دیدگاه‌های فقها دانسته می‌شود که اکثر نزدیک به کل فقهای اهل سنت قائل بر جواز نکاح مسیاری می‌باشند و دلیل‌شان این است که تمام ارکان و شرایط نکاح دائم و صحیح از قبیل خواستگاری، مهر، ایجاب و قبول، ثبوت نسب فرزندان، طلاق و عده برای آن ثابت است، حقوقی مانند نفقه، مسکن و میت نیز برای زن تعلق می‌گیرد که خودش با توجه به صاحب حق بودن، از حق خویش برای شوهر صرف‌نظر و بخشش می‌کند.

ب) مخالفین

عده‌ای از علمای اهل سنت مانند شیخ محمد ناصر الدین البانی، دکتر علی قره‌داغی، ابراهیم فاضل الدبو، دکتر جبر الفضیلات، دکتر محمد زحیلی، دکتر عبدالله الجبوری، دکتر سلیمان الأشقر، محمد عبد الغفار الشریف، دکتر محمود سرطاوی و اسامه عمر

سليمان الأشقر، قائل بر حرمت و عدم جواز نکاح مسیار هستند. حاصل کلام و ادله آنان بر تحریم قرار ذیل است.

۱. مخالفت با مقتضای عقد

آن‌ها معتقدند که مقتضای عقد نکاح این است که در آن، نفقه، مبيت و مسکن باشد؛ درحالی که در نکاح مسیار از این حقوق تنازل صورت می‌گیرد که درواقع این شروط متضمن مخالفت با مقتضای عقد است.

پاسخ این دیدگاه: مخالفت با مقتضای عقد دلیل بر فساد آن عقد شده نمی‌تواند؛ به‌عنوان مثال شخصی برای خود موتري (ماشین) جهت استفاده شخصی خریداری می‌کند، درحالی که آن را به خانه آورده مورد استفاده قرار نمی‌دهد، آیا متوقف ساختن موتري که مقتضای اصلی استفاده از آن بوده است، می‌تواند دلیل بر بطلان عقد باشد؟ اگر این چنین حکم وجود داشته باشد که زندگی بشر متلاشی و از هم گسیخته می‌شود.

۲. عدم تحقق اهداف شرع

دلیل دیگر مخالفین آن است که ازدواج اسلامی با اهداف متعدد اجتماعی، فردی و دینی از قبیل تشکیل خانواده، ایجاد مودت و رحمت، سکون بین زن و شوهر، تربیت اولاد صالح، توالد و تناسل تشریع شده است که این اهداف با ازدواج مسیار مُحقق نمی‌شود و آنچه در صحت عقد معتبر است، صورت ظاهری عقد و وجود ارکان و شرایط ظاهری آن نیست؛ بلکه ملاک مقاصد شرع از عقد است، بدین سان، بیع وقت نماز جمعه، بیع سلاح باوجود فتنه، بیع انگور برای تولید شراب و امثال آن مباح نیست، درحالی که صورت ظاهری عقد با تمام ارکان شرایط او جمع می‌باشند (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص ۶۵).

پاسخ این دیدگاه: عدم تحقق برخی از مقاصد نکاح که هدف شارع است، دلیل بر عدم جواز آن نیست و فراهم نشدن همه اهداف این عقد، از درستی آن جلوگیری نمی‌کند؛ بلکه آن را مخدوش خواهد کرد، قاعده این است که «ما لایدرک کله لایترک کله» آنچه همه آن به دست نمی‌آید، پس لازم نیست تا همه آن ترک گردد.

به‌عنوان مثال، یکی از مقاصد نکاح بقای نسل است درحالی‌که نکاح با زن نازا و یائسه و مرد عقیم جایز است، هرچند که مقصد شرع که همانا بقای نسل است تأمین نمی‌گردد (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۵).

همچنین، عدم جواز عقودی مانند عقد سلاح یا عدم کار در هنگام نماز جمعه، به جهت وجود نص خاص است؛ نه به جهت عدم تأمین مقاصد شریعت و برای عدم نکاح بسیار هیچ نصی وجود ندارد.

۳. مخالفت با کتاب الله

حجت دیگر مخالفین استنباط از حکم آیه شریف است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (سوره نساء، آیه ۳۴)؛ مردان بر زنان سُلطه دارند و مضافاً این سُلطه ناشی از نفقه‌ای است که به زنان می‌دهند و این سُلطه در ازدواج بسیار وجود ندارد و زن از همسرش در ورود و خروج به منزل اطاعت نمی‌کند و با شوهرش اعتبار قائل نیست که این امر مخالف با کتاب الله است.

پاسخ این دیدگاه: بحث قوام بودن مرد، حکمت ازدواج است، نه علت تا سبب فساد نکاح گردد؛ به‌عنوان مثال اگر مرد فقیری با زن ثروتمندی نکاح کرد و یا مردی در اثر حادثه‌ای دو پای خویش را از دست داد که زن نفقه شوهر را تأمین می‌کرد، نکاح آن‌ها باطل است؟ هرگز چنین نیست.

۴. اهانت به شخصیت زنان

نکاح بسیار سبب می‌شود که به شخصیت و کرامت زنان خدشه وارد شود و زنان از این طریق تبدیل به کالای کم‌قیمت و ابزاری برای بهره‌کشی‌های جنسی شده و مورد ظلم و ستم و استفاده مردان قرار گیرد.

پاسخ به این دیدگاه: شکی نیست که اشباع کردن غریزه جنسی یک نیاز جدی مردان و زنان است؛ درحالی‌که بسیاری از اشخاص توانایی ازدواج با زنان باکره را ندارند و ناگزیر به گناه کشانده شوند و با نکاح بسیار می‌توانند دوری از مفاسد اخلاقی نموده و موجب حفظ کرامت و شخصیت انسانی زن و مرد گردد و خداوند

متعال زوجین را به منزله لباس برای همدیگر پنداشته و می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» آنان لباس شما و شما لباس آنان هستید، این مرد وزن مکمل همدیگر هستند و پیامبر ازدواج را نصف ایمان خوانده است (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۶).

۵. مخالفت با طبیعت نکاح

ازدواج مسیار با طبیعت نکاحی که در اسلام آمده است مغایر است؛ زیرا که در نکاح مسیار اکثراً آن را از همسر، اقوام و اقارب مخفی نگه‌داشته و کتمان می‌کنند؛ در حالی که نظر و دستور شارع مقدس به اعلان نکاح است. (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص ۶۶). حتی فقهای مالکیه گفته‌اند: «اگر بر شاهدان ازدواج شرط کنند که پنهان کاری داشته باشند و مسئله را به کسی نگویند، آن ازدواج باطل است».

پاسخ این دیدگاه: اعلان نکاح یک امر مسنون است و حتی برخی‌ها آن را مستحب می‌دانند، نه واجب و ترک آن در عقد مسیار خللی وارد نمی‌نماید. آنچه از مذهب مالکیه نقل شده است به زمانی برمی‌گردد که به شاهدان هنگام عقد نکاح سفارش شود که موضوع را به کسی نگویند، ولی اگر این سفارش بعد از نکاح رخ دهد به عقد نکاح زیانی نخواهد رساند؛ زیرا که عقد درست انجام شده است (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۰).

۶. زمینه‌ساز فساد و ارتکاب محرمات

صاحبان هوا و هوس، افراد ضعیف‌النفسی هستند که زنان را از این طریق بازیچه قرار می‌دهند و یا برخی از خانم‌ها از این طریق مرتکب و وسیله روابط نامشروع و حرام می‌شوند و برای فرار از مجازات در پیشگاه قانون و نهادهای عدلی قضایی استناد به ازدواج مسیار می‌کنند.

یا اینکه بعضی مواقع نکاح مسیار از ابتدا به نیت طلاق صورت می‌گیرد، زیرا که افراد غالباً در مسافرت‌های سیاحتی، تفریحی، تحصیلی، تجاری، مأموریتی و غیره اقدام به ازدواج مسیار می‌کنند و از همان ابتدا قصدشان این است که در پایان سفر، تحصیل، تجارت و مأموریت زوجه را طلاق بدهند که نکاح به نیت طلاق نزد اهل

سنت حرام است (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

پاسخ این دیدگاه: سوءاستفاده افراد ضعیف النفس و هوس باز و بیماران اخلاقی نمی‌تواند دلیل بر بطلان نکاح مسیار باشد؛ زیرا هر قانون و حکمی ممکن است مورد سوءاستفاده افراد قانون‌گریز قرار گیرد، این قانون‌ستیزی سبب مخالفت با اصل قانون و تعطیل شدن آن نمی‌شود.

همچنین، هرچند برخی از فقها نکاح به نیت طلاق را به ظاهر دائمی و در باطن موقت و شبیه متعه می‌دانند، اما نکاح به نیت طلاق را اکثر فقها صحیح می‌دانند. اگرچه از لحاظ اخلاق ناپسند است و باید گفت که این طور نیست که همه کسانی که نکاح مسیار می‌کنند، قصد طلاق را دارند (نوی، ۱۳۳۴، ج ۲، ص ۲۲۴).

ج) اصحاب توقف

بعضی از علماء الازهر و اساتید دانشگاه‌های سعودی، مانند شیخ محمد صالح بن عثیمین و دکتر عمر بن سعود العید در مورد حکم نکاح مسیار توقف و سکوت اختیار کرده و ابراز نظر ننموده‌اند و گفته‌اند که این موضوع نیاز به تحقیق و تدقیق بیشتری دارد (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

۶. مقایسه ازدواج مسیار با ازدواج موقت

روشن است که میان ازدواج موقت و مسیار با وجود اندک نقاط اشتراک، افتراقات فراوانی وجود دارد (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۸).

۱-۷. افتراقات

از لحاظ انحلال عقد: جدایی زوجه و زوج در ازدواج دائم و مسیار به گونه‌های ذیل صورت می‌گیرد: طلاق، خلع، فسخ، تفریق «متارکه قضایی»، لعان و ایلاء؛ اما جدایی زوجه از زوج در ازدواج موقت به گونه فسخ عقد، بذل مدت و انقضای مدت نیز صورت می‌پذیرد.

• **طلاق:** طلاق یکی از موارد انحلال عقد ازدواج دائم یا مسیار است؛ اما ازدواج

موقت بدون طلاق با انقضای مدت پایان میابد.

• **لعان:** لعان یکی از موارد انحلال ازدواج مسیّر است؛ اما در ازدواج موقت ملاعنه نیست.

• **ایلاء:** در ازدواج دائم یا مسیّر ایلاء وجود دارد برعکس ازدواج موقت (حنیف، ۱۳۹۴، صص ۶۳-۷۰).

از لحاظ زمان: ازدواج مسیّر متکی به یک زمان مشخص نیست، بلکه دائمی است؛ اما ازدواج موقت برای یک مدت معین در برابر اجرت مشخص منعقد می‌شود.

از لحاظ میراث: زوجین در ازدواج مسیّر از همدیگر میراث می‌برند، درحالی‌که ازدواج موقت مشمول این حکم نیست.

از لحاظ تعدد ازواج: در ازدواج دائم با توجه به آیه ۳ سوره نساء جمع بیش از چهار زن حرام است؛ اما طبق دیدگاه مشهور فقهای امامیه ممنوعیت جمع بیش از چهار زن مخصوص عقد دائم و مسیّر است؛ اما در ازدواج موقت هیچ‌گونه محدودیتی نیست.

از لحاظ مهر: به موجب حکم آیه ۴ سوره نساء پرداخت مهریه در نکاح دائم و مسیّر جزء آثار عقد بوده و زن می‌تواند کل یا قسمتی از مهریه را برای شوهر خود بخشش نماید؛ درحالی‌که پرداخت مهر در ازدواج موقت از جمله ارکان عقد ازدواج محسوب می‌گردد.

۷-۲. اشتراکات

از جمله نقاط اشتراک میان نکاح موقت و مسیّر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

در خصوص اشتراکات ازدواج مسیّر و موقت می‌توان به عدم تأمین نفقه، عدم تأمین مسکن و عدم اخذ اجازه زوجه از زوج در بیرون شدن از منزل اشاره نمود.

قابل ذکر است که میان ازدواج عرفی و مسیّر رابطه عموم و خصوص من وجه است، ازدواج عرفی همان ازدواج شرعی ثبت نشده و غیررسمی است که بدان ازدواج عادی گویند؛ اما ازدواج مسیّر، گاهی ثبت نمی‌شود که عرفی محسوب گردیده و اگر ثبت شود، رسمی تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

ازدواج بسیار عقدی است که با ارکان و شرایط ازدواج دائم حق تمتع جنسی زن و مرد را از همدیگر مشروع می‌گرداند، هرچند مورد اختلاف اندکی از فقها است، ولی درواقع همان نکاح دائم است که تمام ارکان و شرایط نکاح دائم را دارد، نه تنها که دلیلی بر بطلان آن وجود ندارد، بلکه علاوه بر اصل حلیت، اصل اباحه، اصل آزادی اراده زوجین، عموم و اطلاقات آیات، روایات، استنباط از مواد قانونی و دیدگاه اکثر فقها مبتنی بر صحت آن است، هرچند که شباهت‌های ظاهری اندکی با نکاح موقت دارد.

اسقاط حقوق زوجیت در نکاح بسیار غالباً با شرط ضمن عقد و به صورت شرط فعل نه شرط نتیجه، عدم مطالبه حق است، نه ترک تکلیف که هیچ مشکلی در نکاح بسیار ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنچه منافی شرع است، اسقاط تکلیف است، نه اسقاط حق. شرط تنازل برخی از حقوق زوجیت مانند گذشتن یا بخشیدن نفقه، مسکن و قسم، هرگز مخالف مقتضای عقد نکاح نیست.

به نظر می‌رسد به موجب اصل حلیت، اصل اباحه، قاعده تسلیط، اطلاق و عمومات آیات پیرامون ازدواج، ماده ۶۰ قانون مدنی افغانستان و اینکه هیچ دلیلی بر منع و یا حرمت آن نیست و رعایت موازین ارکان، شرایط و آثار آن با نکاح دائم، نکاح بسیار صحیح و جایز است.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابن قدامه، ابی محمد بن احمد بن محمد، (بی تا)، المغنی، ج ۷، دار الکتب العربی.
۲. اسامه، عمر سلیمان اشقر، (۱۴۲۵)، مستجدات فقهیه، دار النفائس، اردن، چاپ دوم.
۳. الراغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد مفضل، (۱۴۰۴)، المفردات فی غریب القرآن، نشر الکتاب، چاپ دوم.
۴. الشیخ عبدالملک، بن یوسف بن محمد المطلق، (بی تا)، حکم زواج المسیار، ریاض: دار ابن لبون.
۵. ابن حجر العسقلانی، الامام الحافظ شهاب الدین، (بی تا)، فتح الباری، شرح صحیح البخاری، ج ۴، بیروت: دار المعرفة.
۶. بیگدلی، محرم علی، (۱۳۸۹)، ازدواج مسیار و ازدواج موقت، تهران: فردوسی، چاپ اول.
۷. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، (بی تا)، صحیح البخاری، انتشارات حقانی.
۸. تمیمی، احمد، نکاح المسیار، (۱۴۱۸)، مجله الاسرة، شماره ۴۶، هلند.
۹. پاکنیت، ربابه، (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی نکاح موقت و مسیار در اهل سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۰. حنیف، حفیظ الله، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی ازدواج موقت و مسیار، پایان نامه دوره لیسانس، هرات: پوهنځی حقوق و علوم سیاسی.
۱۱. حیاتی، علی عباس، (۱۳۸۹)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: نشر میزان، چاپ ششم.
۱۲. شاطبی، ابراهیم، (بی تا)، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. کاسانی، ابوبکر بن مسعود، (۱۴۲۴)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۱۴. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷)، الفروع من الکافی، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامی، چاپ ششم.
۱۵. قانون احوال شخصیه افغانستان، مصوب ۱۳۸۸.
۱۶. قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
۱۷. قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۹)، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ترجمه احمد نعمتی، تهران: احسان.
۱۸. مسلم بن الحجاج، ابی الحسین، (۱۳۹۷)، الصحيح المسلم مع شرح الكامل اللنوی، ج ۱، قندهار: نشر صداقت.
۱۹. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات ذهن آویز، چاپ سوم.
۲۰. هیئت ناروی برای مهاجرین، (N.R.C)، (۱۳۹۲)، رهنمای حقوق خانواده در افغانستان، کابل: نشر گرافیک برتر.
۲۱. یحیی بن ابی الخیر بن سالم، (بی‌تا)، البیان فی مذهب الامام الشافعی، ج ۹، دار المنهاج.